

**به شیطان لبخند زن!**

هیچ شده ناامیدی سراغت بیاید و خرت را بگیرد. هیچ شده، ته دلت را خالی کند و در گوشت زمزمه کند که حرصت بگیرد این زندگی به هیچی نمی‌ارزد.



هیچ شده ناامیدی سراغت بیاید و خرت را بگیرد. هیچ شده، ته دلت را خالی کند و در گوشت زمزمه کند که حرصت بگیرد این زندگی به هیچی نمی‌ارزد.

حتی اگر برای یک بار هم با این جناب ناامیدی آشنا شده باشی، الان خوب می‌فهمی که من چه می‌گویم.

ناامیدی می‌تواند دمار از روزگار آدم در بیاورد. می‌تواند روی تمام رنگ‌های قشنگ دنیا، پرده‌ی سیاه بکشد. می‌تواند وجود هر ترانه‌ی خوش‌آهنگی را در دنیا بی‌معنی کند. می‌تواند صد زانو روی قلبت بنشیند و مدام بگوید: #171 بیپهوده می‌تپی... بیپهوده می‌تپی...

ناامیدی، پیچیده‌ترین هیولای دنیاست. خدا نکند به او رو بدهی، چنان در آغوشت جا خوش می‌کند که دیگر خوش خوشان راه رفتن را، پاک از یاد می‌بری.

ناامیدی، چیز عجیبی است؛ هم می‌تواند خیلی قوی باشد و هم خیلی ضعیف. ضعف و قوت او را، آدمی معلوم می‌کند که ناامیدی سراغش می‌رود.

ناامیدی حتی کمی هم ریاضیات سرش می‌شود. خوب می‌داند که میزان قدرت او و آدم‌ها، نسبت معکوس با هم دارد. مثلاً اگر تو یک آدم قوی هستی که در برابر مشکلات، سریع خودت را نمی‌بازی و سعی می‌کنی به جای وادادن، دنبال راه حل بگردی، می‌شود گفت حتی شاید ناامیدی در برابر تو زانو بزند و برعکس!

اگر آدمی باشی که تا تقی به توقی می‌خورد، اشکت سرازیر می‌شود و پاهایت سست، ناامیدی می‌تواند به چشم هم زدنی، کارت را بسازد.

ناامیدی، چیز عجیبی است؛ هم می‌تواند خیلی قوی باشد و هم خیلی ضعیف. ضعف و قوت او را، آدمی معلوم می‌کند که ناامیدی سراغش می‌رود

می‌گویند یکی از مهارت‌های مهمی که آدم باید در زندگی یاد بگیرد، نه گفتن به تمام پیشنهادهای بد و مشکوک دیگران است. اما خب به نظر من، آدم باید یاد بگیرد به خیلی از حس‌های بد هم نه بگوید؛ مثل همین حس ویرانگر ناامیدی. ناامیدی، هم فرصت‌طلب است و هم سمج. منتظر کوچک‌ترین اشاره‌ی توست. به بال زدنی می‌آید و اگر تو گلیم غصه‌هایت را برایش پهن کنی، بی‌تعارف می‌نشیند. و خدا نکند که بفهمد قدرت آن را نداری که او را از خود برانی؛ آن وقت کنگرش را می‌خورد و لنگرش را می‌اندازد. بعد مثل خوره، روجت را می‌خورد. اولین هدیه‌ی ناامیدی به آدم، چشم‌بندی بر تمام خوبی‌هاست.

ناامیدی، همان قدر که قوی هست، ضعیف هم هست. به سادگی می‌تواند بماند و ساده‌تر از آن می‌تواند برود. همه چیز بستگی به تو دارد. باید دشمنان ناامیدی را بشناسی و از آن‌ها برای شکست دادن آن استفاده کنی. مثلاً یک برنامه‌ی ورزشی منظم، می‌تواند ناامیدی را با تو غریبه کند. دیدن زیبایی‌های دنیا، رنگها، خوبی‌ها و امید داشتن به این که قطعاً آینده روشن‌تر از امروز است، همه، دشمنان ناامیدی هستند. حتی پای‌کوبی برای شادی دیگران و هر چیزی خوب دیگری در دنیا، تله‌هایی بر سر ناامیدی هستند. چشم‌هایت را باز کن: دیدنی‌های دنیا خیلی بیشتر از ندیدنی‌های آنند.

تا به حال این ضرب‌المثل معروف را شنیده‌اید که می‌گوید: در ناامیدی بسی امید است؟

خداوند همواره در سختی‌ها و ناامیدی‌ها برای ما گشایشی است که می‌توانیم به او اعتماد کنیم و خود را به او بسپاریم. پس ناامیدی دیگر ممنوع است.

هرگز از یاد نبر که ناامیدی، لبخند زدن به شیطان است. پس هرگز به شیطان لبخند نزن!